

بررسی تطبیقی ایزدان سه گانه در ایران و ارمنستان در دوران باستان

مریم مکی

دانشجوی دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم تحقیقات تهران¹

چکیده

ایزد از ریشه \sqrt{yaz} اوستایی به معنی ستایش و پرستیدن است. ایرانیان باستان تا پیش از قرن سوم میلادی (آغاز حکومت ساسانیان) چند خدایانگر بوده‌اند که این مسئله در ارمنستان تا پیش از شیوع مسیحیت مشاهده شده است و می‌توان تشابهاتی بین این ایزدان و پرستش آنها در این دو سرزمین همیشه دوست و همسایه یافت. در این مقاله، نگارنده به بررسی سه ایزد از ایزدان ایران باستان یعنی اهورامزدا، مهر، آناهیتا و همچنین سه ایزد متقابل آن که در ارمنستان باستان وجود داشته است یعنی آرامازد، آناهیت و واهگن پرداخته و نکات مشترک این ایزدان را مطالعه و بررسی کرده است. یافته‌های تحقیق پیش رو می‌تواند بیانگر این باشد که ایزدستان ارمنی باستان بسیار تحت تأثیر ایزدستان ایران باستان بوده و همواره با تغییر و تحولات و انطباق آن با منطقه خود توانسته است یک فرهنگ اساطیری بسیار مشابه با فرهنگ اساطیری ایران باستان برای خود رقم زند.

کلیدواژه‌ها: ارمنستان، آناهیتا، میترا، واهگن، آرامازد.

تاریخ دریافت مقاله: 89/9/20

تاریخ پذیرش مقاله: 90/2/3

Email: Maryammakki۴۳۲@gmail.com

مقدمه

در دین زرتشتی، ایزدان² یا موجودات پرستیدنی فراوانی وجود دارد. در مجمع آسمانی، ایزدان از نظر رتبه در رده سوم پس از اهورامزدا و امشاسپندان قرار دارند. اگرچه ایزدان بی‌شمارند، اما بدیهی است که بعضی چهره‌ها بر دیگران برتری دارند و اینها ایزدانی هستند که روز خاصی از ماه در تقویم زرتشتی به آنان اختصاص دارد. از میان مهم‌ترین ایزدان می‌توان اهورامزدا³، مهر⁴ (میتره) و ناهید (آناهیتا)⁵ را نام برد که معمولاً سرود یا یشتی مخصوص به خود دارند. در میان ایزدان ارمنی باستان سه ایزد آرامازد⁶، آناهیت⁷ و واهگن⁸ که اهمیت ویژه‌ای دارند را می‌توان نام برد.

¹ این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکتری نویسنده است. استاد راهنما: دکتر فرح زاهدی. استاد مشاور: دکتر محسن ابوالقاسمی، دکتر الیزابت سهراب.

^۲. yazata

^۲. Ahuramazdā

^۳. Miθra

^۵. Anāhitā

^۵. Aramazd

^۶. Anāhit

باید گفت که روابط ایران و ارمنستان از نظر تاریخی، فرهنگی و اقتصادی سابقه‌ای بس طولانی دارد که یکی از عوامل مهم آن، همسایه و هم‌مرز بودن این دو کشور است. با توجه به بررسی‌های انجام‌شده، اولین شاهد صادق، تشابهاتی است که می‌توان در میان دو گروه از ایزدان سه‌گانه این دو کشور یافت (اگرچه تفاوت‌هایی هم قابل مشاهده است).

یکی از منابع، کتیبه بیستون است که در زمان داریوش اول هخامنشی نوشته شده و در متن آن از آرمینا⁹ (ارمنستان) نام برده شده است. (kent ۱۹۵۲: ۱۱۵)

ارمنستان از همان زمان امپراتوری ماد تحت نفوذ ایرانیان قرار گرفت. این نفوذ از دیدگاه دینی، تا زمان مسیحی شدن کشور که بیشتر در نیمه قرن سوم (به‌دست گریگوری روشنگر) انجام شد، استیلا داشت. منابع ما درباره کافرکیشی¹⁰ در میان مردم ارمنستان به عصر ساسانی باز می‌گردد، اما وضعیتی که این منابع را توصیف می‌کند، در عصر اشکانی نیز وجود داشته است. وام‌گیری وسیع واژه‌های پارتی از سوی مردم ارمنستان بیشتر در این زمان تحت تأثیر ایران صورت گرفته است.

با توجه به یکسان بودن نژاد هر دو قوم و نزدیکی هر دو سرزمین (از نظر جغرافیایی) به نظر می‌رسد که این دو قوم در زمینه‌های گوناگون همچون ادیان و عقاید نکات مشترکی داشته و یا اینکه بر هم تأثیر گذاشته باشند که در این باره، در این پژوهش، سه ایزد مهم ارمنیان و ایرانیان باستان بررسی شده‌اند. در این مقاله به هر کدام از این سه ایزد ایران باستان و ارمنستان باستان پرداخته شده و تشابهات و تفاوت‌های آنها بررسی شده است.

اهورامزدا در ایران

اهورامزدا

اهورامزدا واژه‌ای است اوستایی که از دو کلمه ahura و mazda تشکیل شده است. ahura اسم مذکر اوستایی است که مشتق از ریشه ah به معنی «بودن» (Bartholomae ۱۹۰۵: ۲۶۰) به همراه پسوند -ra- از صورت ایرانی باستان -ratai* است و mazda- از دو ریشه man + dah تشکیل شده است (Ibid: ۱۱۸۲). در زبان پهلوی ohrmazd گفته می‌شود (Nyberg ۱۳۸۱: ۱۴۳) و در زبان فارسی مزدا را دانای هرمز، اورمزد و هرمزد می‌گویند. هراچید. د. آچاریان¹¹

- زبان‌شناس ارمنی - اهورا را به معنی «خدا، صاحب و سرور» و مزدا را «دانای متعالی و خردمندی اعلی» تفسیر کرده است. در متون زرتشتی نیز، این واژه به معنی سرور دانا و خردمند تفسیر شده است.

^۸. Vahagn

^۸. Armina

^۹. paganism

^{۱۱}. Acharian

«از نظر زرتشتیان، اهورامزدا، ایزد برتر، آفریننده خلقت و سرور عقل است و وجود نیرو با مینوی مضمهر در تفکر و اندیشیدن را مسلم می‌دارد. در یکی از گات‌ها زرتشت می‌گوید: «آن‌گاه که تو در آغاز دین ما را بیافریدی و از منش خویش ما را خرد بخشیدی». (ویدن گرن 1377 : 503). در اوستا به عنوان: dātar, daδvah و در پهلوی day- dādar معرفی شده است. (Russell ۱۹۸۷a: ۱۵۳). او سازنده همه چیزهای خوب است، او پدر همه ایزدان است. او پدر امشاسپندان است. (Ibid: ۱۵۳). اگرچه اهورامزدا کاملاً خوب است، اما او قادر مطلق نیست. او نمی‌تواند از دشمن در فاسد کردن مخلوقات خویش جلوگیری کند. یعنی اهریمن محدود است، اما زمانی خواهد رسید که بدی مغلوب شود و اهورامزدا با قدرت مطلق فرمانروایی کند (بهار 1381 : 169). او یک نیروی جنگی بر ضد دشمن و جنگ‌های کیهانی است. او رئیس همه جهان، به ویژه نگهبان شاهان و رئیس دائمی دنیاست (Russell ۱۹۸۷a: ۱۵۵). ویژگی او خرد است؛ او کسی است که نه فریب می‌خورد، نه می‌فریبد. او سرور بخشنده و خیر مطلق است، او که پدر و مادر آفرینش است، سیر خورشید و ماه و ستارگان را ساخته است. او بوده و هست و خواهد بود. او جاودانه است. تختش در عرش اعلی، در نور آسمانی جای دارد. در آنجا درباری دارد؛ فرشتگانی در خدمت اویند و اوامرشان را اجرا می‌کنند. در نظر زرتشتیان اورمزد برتر از کل خیر مطلق است و با بدی هیچ‌گونه ارتباطی ندارد.

اهورامزدا سرچشمه همه نیکی‌هاست، روشنایی، زندگی، زیبایی، شادی و تندرستی. او نیرویی است در پس هر سریری و سرچشمه الهام همه راستی‌هاست و نماد زمینی او مرد پارسا است. (جان هینلز 1375: 69-70) داریوش در یکی از کتیبه‌هایش دست به نوآوری می‌زند و اهورامزدا را به عنوان پر عظمت‌ترین خدا معرفی می‌کند.

داریوش برای تاج و تخت خود، مدیون اهورامزدا است. اما به سبب برقرار کردن عدالت سزاوار آن بوده است. «در کتیبه بیستون (ستون چهارم، سطر 61) اعلام می‌دارد: "اهورامزدا و سایر ایزدان موجود، به من یاری رسانده‌اند، زیرا من نه دروغگو بوده‌ام، نه ستمکار و نسبت به ضعفا بیش از قدرتمندان خودکامه نبوده‌ام، زیرا با درستکاری عمل کرده‌ام". تجلیل از عظمت عالمگیر اهورامزدا عنوان چندین کتیبه در شوش و در نقش رستم است: "پروردگار بزرگی است اهورامزدا که این زمین و آسمان را آفرید، که انسان را، شادی برای انسان را آفرید و داریوش را شاه آفرید".» (Kent ۱۹۵۲: ۱۳۰)

در کتیبه «ب» نقش رستم، داریوش خود را این‌گونه معرفی می‌کند:

• با پیروی از اهورامزدا، او یار عدالت است و با کسانی که دروغ الهام بخششان است، هیچ‌گونه دوستی ندارد. (Ibid: ۱۳۹)

از دیدگاه تاریخ دین، کتیبه مهمی وجود دارد که در آن خشایارشا اعلام می‌دارد که «در میان این کشورهای (در حال شورش) کشوری بود که در گذشته و در آنجا دیووها¹² را می‌پرستیدند. سپس به یاری اهوره‌مزدا، من معبد

دیووها را نابود ساختم و اعلام نمودم: باشد که کسی دیوها را نپرستد. در آن جا که در گذشته دیووها را پرستش می‌کردند، من اهورامزدا را پرستش خواهم کرد.» (Ibid: ۱۵۱)

در قطعه‌ای دیگر از این کتیبه، ما با تصور هخامنشیان از زندگی پس از مرگ آشنا می‌شویم که تنها اطلاعات موجود در این باره است:

• هرکس از دستورات اهورامزدا پیروی می‌کند و اهورامزدا را می‌پرستد، در زندگی شاد و پس از مرگ آمرزیده خواهد بود. (Ibid: ۱۵۱)

براساس متن پهلوی، ساسانیان اهورامزدا را در نقش برجسته‌ها به شکل مرد (مذکر) به تصویر کشیده‌اند. پس می‌توان گفت ساسانیان، اهورامزدا یا خدای برتر را به شکل مرد قدرتمند به تصویر کشیده‌اند.

آرامزد در ارمنستان

در ارمنستان ایزد معادل اهورامزدا، آرامزد¹³ است. ترکیب دو کلمه (اهورا+مزدا) مربوط به واژه اهورامزدا، در یک کلمه در کتیبه داریوش مربوط به قرن پنجم پیش از میلاد دیده شده است. اما در متن‌های اوستایی این دو کلمه جدا هستند. در میان ارمنیان، آرامزد به صورت یک کلمه و از ادغام دو کلمه اهورامزدا به معنی پروردگار خرد نزد هخامنشیان آمده است. آرامزد وام‌واژه‌ای از زبان پارسی است. (Meillet ۱۹۷۸: ۲۵, Russell ۱۹۸۷a: ۱۵۷) از صفات رایج آرامزد؛ شجاعت، بزرگی و قوی بودن است. (Russell ۱۹۸۷a: ۱۵۷, Agathangelos ۱۹۷۶: ۱۰۶)

آرامزد خدای رعد و برق است. به ارمنی آمپرییان¹⁴ گفته می‌شود. (خورناتسی 1982: 86). آرامزد پدر امشاسپندان است (Russell ۱۹۸۷a: ۱۵۷, Agathangelos ۱۹۷۶: ۷۸۶). او پدر همه ایزدان به‌ویژه آناهیت، مهر و نانه، دهنده برکت و فراوانی است. (Russell ۱۹۸۷a: ۱۵۸, Agathangelos ۱۹۷۶: ۵۸-۶۱-۱۰۶-۵۹۰-۵۹۱-۵۹۳)

او خالق آسمان و زمین، پدر خدایان، فراهم‌کننده همه چیز و بخشاینده است که در تطابق کامل با اصل زرتشتی است. (Russell ۲۰۰۴: ۳۷۸). او نه تنها خالق همه مخلوقات است بلکه، خالق ایزدانی است که از نظر رتبه از او پایین‌ترند (Russell ۱۹۸۷a: ۱۵۹). او شخص مهمان‌نوازی است (Agathangelos ۱۹۷۶: ۸۳۶). او یک ایزد جوانمرد و مرد جنگی بوده که به وسیله خاندان سلطنتی تقدس می‌شده است. (Russell ۲۰۰۴: ۳۷۴)

فرزند بزرگ آرامزد شجاع، آناهیت است (Ibid: ۵۳). پس از پذیرش مسیحیت به وسیله ارمنیان به عنوان دین رسمی، گریگور¹⁵ مقدس، معابد مهر (کوه

پسر آرامزد است) در باگایاریج¹⁶ را خراب می‌کند. پس مهر پسر آرامزد است. (Russell ۲۰۰۴: ۳۷۸) دوشن گیمن به نقل از آنانیکیان¹⁷ بیان می‌کند که من تمام آنچه را که در زیر (زمین) می‌آید، از او گرفته‌ام.

^{۱۴}. Ampropayin

^۲. Grégoire

^۳. Bagayarič

^{۱۷}. Ananikian

^۲. Kund Aramazd

^۳. Bald Aramazd

(دوشن گيمن 1381: 297). تيرداد سوم، پادشاه ارمنستان، از آرامزد جوانمرد، فراوانی را طلب می‌کند. (Russell ۱۵۸: ۱۹۸۷a)

موسی خورناتسی بیان می‌دارد که از نظر اسطوره‌شناسی هیچ چیزی همچون آرامزد وجود ندارد. او علیه وجود آرامزد جدل می‌کند. او می‌گوید:

• در میان آنهایی که آرامزد خواهند بود، چهار نفر هستند که نام یکی از آنها کندآرامزد¹⁸ که به معنی «کچل» می‌باشد، دیگری بالداآرامزد¹⁹ که ممکن است زئوس فلکرس²⁰ یعنی «کچل» که اشاره به مجسمه زئوس است و گفته می‌شود در آگوس²¹ وجود داشته است. این چهار آرامزد ممکن است اشاره به چهار روز ماه زرتشتی که بعد از اهورامزدا می‌آید، باشد. (Bailey ۱۹۵۵: ۷۲) و (موسی خورناتسی 1982: 122)

پرستشگاه عمده آرامزد در منطقه مسکونی موسوم به "آنی" در داراناقی (اماکن تدفین شاهان) در هایک علیا (۵۹: ۱۹۷۶ Agathangelos) و همچنین در روستای باگاووان در باگرواند است. (Ibid: ۶۱۲). یکی دیگر از پرستشگاه‌های آرامزد در ساحل رود "کور" در ناحیه‌ای موسوم به "متسخت"²² قرار داشته است. تندیس آرامزد در یک نقطه بلندی از یک معبد قرار داشته است (نوری‌زاده 1376: 240). دیگر پرستشگاه آرامزد بر فراز کوه پاقاتو قرار داشت (Alishan ۱۸۹۵: ۱۷۹). آیین او در همه معابد انجام می‌شده، به‌ویژه در آنی و باگروان که دو معبد سلطنتی کشور بوده است. ارمنیان مجسمه‌هایی از خدایان‌شان می‌ساختند و یا تصویرهای یونانی از غرب خریداری می‌کردند و در معابدشان قرار می‌دادند. (Russell ۱۹۸۷a: ۱۵۷)

ایزدان و ایزدبانوان ارمنی جشن‌ها و مراسم آیینی خاص خود را داشتند. مراسم آیینی ویژه آرامزد در اوایل "ناواسرد"²³ (در اولین ماه سال نو) برپا می‌شده است (نوری‌زاده 1376: 258). نزد زرتشتیان روز ششم جشن سال نو زرتشتیان شروع می‌شود (در روز اورمزد از ماه فروردین) و این عدد شش به افتخار خلقت دنیا در شش روز به وسیله اهورامزدا است. (Russell ۱۹۸۷a: ۱۶۰)

باید گفت آرامزد تنها در نام و برخی صفات که در بالا بیان شده است، با اهورامزدا همانند است و در بسیاری صفات ذکر شده، آرامزد، وجه اشتراکی با ایزد معادل خود در ایران باستان ندارد. این را باید گفت که هیچ ملتی نمی‌تواند ادعا کند که ایزدستان اساطیری‌اش کاملاً ملی بوده و عناصر عاریتی در آن نیست، بلکه می‌تواند ادعا کند که به ایزدان و ایزدبانوان عاریتی خود ویژگی‌های ملی بخشیده است، چنانکه اهورامزدا یا آرامزد معادل زئوس در یونان دانسته شده است و می‌توان ثابت کرد که با وجود اعتقاد آنها به چندین ایزد، همواره یک ایزد را در میان ایزدان، به‌عنوان ایزد برتر و سرور و او را خالق و آفریننده همه هستی می‌دانستند،

^{۱۸}. Kund Aramazd

^۲. Bald Aramazd

^۳. Zeus Phalakros

^{۲۱}. Agus

^۵. Matskhat

^۶. Navasard

چنانکه در ایران، اهورامزدا و در ارمنستان، آرامزد این نقش را بازی می‌کرده و هر دو در این صفت اساسی مشترک‌اند.

با کمی دقت می‌توان معنای واژه اهورامزدا «سرور عقل و دارای تجربه» را در نقش برجسته‌های ساسانیان به‌روشنی دید، چنانکه اهورامزدا را به صورت مرد پیر به تصویر کشیده‌اند.

ایرانیان باستان همواره در بلندی‌ها به عبادت و راز و نیاز با خالق می‌پرداختند و این عبادت سنتی، دعا و ســـــرودخوانی بـــــه درگـــــاه اهورامزدا و دیگـــــر ایـــــر ایزدبانو بوده است (ویدن‌گرن 1377: 344)، حال آنکه آرامزد را در معابدی خاص مانند معبد آنی، و دیگری در روستای باگاوان در باگرواند - دو معبد سلطنتی آرامزد بوده است - عبادت می‌کرده‌اند. (Agathangelos ۱۹۷۶: ۶۱۲)

آناهیتا

«او زنی نیرومند، سپید، زیبا و خوش‌اندام است (یشت 5، بند 2)، با کفش‌های زرین و کمربندی بر میان و جبه‌ای پربها، پرچین و زرین در بر (یشت 5، بندهای 7، 64، 126). او برسم در دست، گوشواره‌ای زرین بر گوش و تاجی با یکصد گوهر بر سر دارد (یشت 5، بندهای 127، 128). او در میان ستارگان به‌سرمی‌برد (یشت 5، بند 88) و گردونه او را چهار اسب نر می‌برند (یشت 5، بندهای 11، 13) که باد، باران، ابر و تگرگ‌اند (یشت 5، بند 120). برای پیروزی بر دیوان و دشمنان باید از او یاری خواست (یشت 5، بندهای 23، 26، 46، 50). [او] صورتی زیبا، بازوان سپید به ستبری شانه‌ اسب و سینه‌های برآمده دارد و در حالی که کمربندی تنگ به کمر بسته، بر گردونه‌ خویش سوار است و چهار اسب هم‌رنگ و هم‌قدر او را در دست گرفته و می‌رانند. (یشت 5، بند 11-13) اسب‌ها و گردونه او باد، ابر، باران و شب‌نم هستند (یشت 5، بند 12). آناهیتا گوهرهای گران برخوردار و تاجی چون فرخی که بر آن صد گوهر تابناک آویخته است، بر سر دارد. او کفش‌های درخشان بر پای دارد و پوستی را که می‌درخشد به بر کرده است.» (بهار 1381: 81)

«ایزدبانو اردوی سورا²⁴ آناهیتا یعنی آب‌های نیرومند بی‌آلایش، سرچشمه همه آب‌های روی زمین است. او منبع باروری بوده و نطفه همه نرها را پاک می‌کند. زهدان مادگان را تطهیر می‌کند و شیر را در پستان مادران پاک می‌سازد (یشت 5، بند 2). او دانه‌ها و سرزمین‌ها را زیاد می‌کند (یشت 5)» (همان: 81)

اگر در متن‌های ایرانی، آناهیتا دختر اهورامزدا است، در یشت پنجم فقط او را الهه آب می‌دانند. (Russell ۱۹۸۷a: ۲۴۴). آناهیتا یک همکار آرمیتی، نگهبان زمین است (Ibid). در فارسی میانه آناهیت به عنوان بانو²⁵ شناخته می‌شود که این عنوان در کتیبه‌های ساسانی دیده شده است. عنوان "بانو" در فارسی نو در میان زرتشتیان و

^{۲۴}. arədvi surā Anāhitā

^{۲۵}. bānūg

۲. Arədvi

۳. sūrā

مسلمانان استفاده شده است. برای آناهیت به عنوان یک ایزد مقدس قربانی‌هایی تقدیم می‌شده، همچنان‌که در اوستا در یشت 5، بند 15، 21 توصیف شده و کاملاً قرار دادی هستند. (Russell ۲۰۰۴: ۳۷۴)

در معبد بانوی پارس در شریف‌آباد یزد، گاو قربانی می‌شده و این احتمالاً به اردوی سورا آناهیتا، که الهه آب در جامعه زرتشتیان شریف‌آباد ایران بود، تقدیم می‌شده است (Russell ۱۹۸۷a: ۲۱۵). به احتمال زیاد بسیاری از مکان‌های مقدسی که در کوهها و در نزدیکی چشمه‌سارها قرار دارند و «دختر» یا «بی‌بی» خوانده می‌شوند، روزگاری وقف آناهید بوده‌اند. زرتشتیان یزد امروز نیز دختر انسان را «آب ناهید» می‌خوانند. (Boyce ۱۹۸۵: ۱۰۰۲-۱۰۰۶)

آناهیتا در ایران

آناهیتا، ایزدبانوی زرتشتی اساطیر ایران باستان است. آناهیتا an-ahi-ta به معنی نآلوده، پاکیزه (Bartholomae ۱۹۰۵: ۱۲۶)، لقب آن در اوستا arədvī surā است. اردوی²⁶، نام رودی است افسانه‌ای و سورا²⁷ به معنی نیرومند است که صفت اردوی است و در بیشتر موارد با صفتی دیگر همراه است و آناهیتا²⁸ است به معنی پاکیزه که در پهلوی آناهید²⁹ (Nyberg ۱۳۸۱: ۱۷) و در پارسی ناهید می‌شود. اردوی به معنی پربرکت و حاصلخیز است. (بهار 1381: 80). آناهیتا بسیاری از آیین کهن‌ایزدان هند و ایرانی را حفظ کرده است. در هند یک ایزدبانوی رودها - سرسوتی³⁰ - وجود دارد که گاه با اشوین‌ها تداعی می‌شود. از سوی دیگر لقب‌های او را پاک، قهرمان و مادرانه تعریف می‌کند که به معنی سه کارکردی بودن، بوده‌است. دومزیل³¹ و لومل³² نشان داده‌اند که آناهیتا مترادف ایرانی سرسوتی است (Dumezil ۱۹۵۲: ۴۰۵) و هر دو از یک ایزدبانوی هند و ایرانی نزول کرده‌اند و نام سه تایی کامل آناهیتا، اردوی سورا آناهیتا «مرطوب، نیرومند، بی‌گناه» به روشنی به سه کارکرد اشاره دارد (دوشن‌گیمن 1381: 236). آناهیتا، ایزد باروری بوده و ظاهراً با ایزدبانوی بابلی یا عیلامی نانه³³ و بعدها با آرتمیس³⁴ یونان، ایزدبانوی جانوران ددخو، همانند است (همان: 236). اردویسورا آناهید الهه و مظهر آب‌هاست که پیوسته نزد ایرانیان مقدس بوده است. یشت پنجم و یسنه 65 درباره او و آب‌هاست. وجود او بنا به این یسنه و یشت در امر زادن مردمان مؤثر است (بند 2). هرمز او را می‌ستاید، هوشنگ، جم، اژدی‌دهاک (ضحاک)، فریدون، گرشاسب، افراسیاب، و کاووس و دیگران برای او قربانی می‌کنند و از او برآوردن نیازهای خود را می‌خواهند. (یشت پنجم، بند 17 تا 47). (همان)

آناهیتا نزد هخامنشیان

^{۲۸}. ahāhita

^{۳۰}. srasvati

^{۳۳}. Nané

۵. anāhid

۲. Dumézil

۵. Artemis

۳. Lommel

۶. DB. ۴. ۶۱, ۶۳

در کتیبه‌های داریوش و خشایارشا نامی از ایزدبانو آناهیتا دیده نمی‌شود. این دو اهورامزدا را برترین سرور، بزرگ‌ترین خدایان می‌دانستند. اما وجود دیگر خدایان را انکار نمی‌کردند. در دوره داریوش، وجود دیگر خدایان را افزون بر سرور دانا به رسمیت می‌شناسند. او آنها را «دیگرخدایانی که هستند»³⁵ خطاب می‌کند. خشایارشا اهورامزدا را خالق زمین و آسمان و انسان و شادی می‌دانست، اما از زمان اردشیر دوم (359-404 پ.م) بود که نام ایزدبانو آناهیتا در کتیبه‌ها به همراه اهورامزدا و میترا آورده شد. گویند هنگامی که اردشیر دوم میترا و آناهیتا را به اهورامزدا مرتبط ساخت، در واقع گرایش توده‌های مردم را دنبال کرد. گیریشمن در این باره می‌نویسد:

• دانشمندان برآند که دخول آیین آناهیتا به وسیله اردشیر دوم صورت گرفته است و پرستش پیکرهای او در معابد شوش، تخت جمشید، هگمتانه، بابل، دمشق، ساروس و بلخ می‌بایست به اتحاد همه اقوام تحت یک آیین مشترک که آثار آن تا مدتی دراز در میان ملل آسیای صغیر زنده ماند، یاری کرده باشد. (گیریشمن 1349: 232)

مری بویس آغاز پرستش آناهیتا در دوره اردشیر دوم هخامنشی را «نوآوری پارس‌ها» می‌داند. اردشیر دوم در کتیبه‌ای که در شوش دارد، بیان می‌کند که ساخت قصرش را به لطف اهورامزدا، آنائیتیس³⁶ و میترا می‌داند و از آنها می‌خواهد که او را از شر دشمن محافظت کنند (A³SA, Kent 1952: 154). اردشیر دوم رسماً آناهیتا را در کتیبه‌هایش می‌خواند. (A³SA, A³sd, A³Ha)

بروسوس³⁷، مورخ کلدی، در این باره می‌نویسد:

• اردشیر دوم نخستین کسی بود که تندیس‌هایی از آفرودیت - آنائیتیس را در بابل، شوش، اکباتان، پرسپولیس، بلخ، دمشق و سارد برپا کرد و ستایش او را در آن ممالک فترساخت. پس از او اردشیر سوم هم در کتیبه‌هایش از آناهیتا به همراه اهورامزدا و میترا نام می‌برد. (ویدن‌گرن 1377: 176)

در شمال صفا تخت جمشید یک مجموعه بزرگ ساختمانی موسوم به «پرستشگاه فترداره» متعلق به روزگار اردشیر دوم وجود داشته است و گمان می‌رود که این مجموعه یکی از بناهای شاه برای آناهیتا بوده است. (بویس 1386: 90)

آناهیتا نزد اشکانیان و ساسانیان

پارتیان همانند هخامنشیان به پرستش اورمزد، مهر و آناهیتا به عنوان اصلی‌ترین ایزدانشان پرداختند. نام آب‌ناهِید³⁸ نخستین بار در دوران پارتیان به چشم می‌خورد. در دوره پارتی آناهید بسیار محبوب بود. از زمان اردشیر دوم اعتقاد به ناهید در میان این سه ایزد، اهمیتی بیشتر یافته بود و آن در زمان پارتیان هم در درجه اول قرار داشته است. (گیریشمن 1349: 321)

³⁶. Anāitis

³⁷. Berossos

³⁸. Ab-Nāhīd

در میان اشکانیان، عناصری مانند آب، آتش و غیره بسیار مورد ستایش بوده‌اند. پارتیان آب و رودخانه‌ها را ستایش و از مسافرت‌های دریایی به شدت پرهیز می‌کردند، زیرا بیم آن داشتند که آب را آلوده کرده و رب‌النوع آن‌ها را آزرده خاطر گردد. (خدادادیان 1379: 256)

پرستش آن‌ها در دوره ساسانی نیز همچون دوره هخامنشی و پارتی رونق داشت. اما در دوره ساسانی برای ایزدبانو تندیس ساخته نمی‌شد و به جای آن در بناهای مقدس آتش مقدس می‌نشانند. بدین‌سان کیش شمایل پرستی که اردشیر دوم هخامنشی وارد دین زردشتی کرد، سرانجام با اقداماتی که ظاهراً اردشیر اول ساسانی آغاز کرد، به پایان رسید. (بویس 1386: 136-137)

به عنوان نمونه، در نقش رستم، نرسه نقش برجسته‌ای دارد که در آنجا خود را سرسپردۀ آن‌ها اعلام می‌کند. او در این نقش برجسته در حال دریافت نیم‌تاج از این ایزدبانو که آراسته به تاج و ردایی کامل است، تصویر شده است. در طاق بستان در نزدیکی همدان، خسرو پرویز آخرین نقش برجسته ساسانی از صحنه اعطای منصب را ساخت. وی در حال دریافت تاج شهریار از اهورامزدا است و پشت سر او ایزدبانوی پشتیبان این سلسله تا آخرین روز ایستاده است که آب‌های جهان را به صورتی نمادین از کوزه‌ای کوچک می‌ریزد.

در دوره ساسانیان آتش‌های مقدس را به نام ایزدبانو آن‌ها برپا می‌کردند. به عنوان نمونه آنان در استخر آتشی نشانده و آن را به آن‌ها تقدیس کرده بودند و در یک کتیبه ساسانی سده سوم، از آنان به عنوان «آتش آن‌ها» یاد می‌شود. شاپور اول، یکی از دخترانش را به افتخار این آتش، آدوران‌ها، نام نهاد. در زمان بهرام دوم، موبد بزرگ کرتیر، خود را صاحب اختیار آتشکده آن‌ها اردشیر و آتشکده آن‌ها بانوگ معرفی می‌کند. شاپور اول آتشکده‌ای در بیشاپور ساخت که به سبب ویژگی‌های منحصر به فردش آن را آتشکده‌ای از آن آن‌ها می‌دانند. نرسی در کتیبه خود در پایکولی چنین می‌نویسد: «... آن‌ها که بانو خوانده می‌شود.» (Boyce ۱۹۸۵: ۱۰۰۲-۱۰۰۵). در زمان هخامنشیان یک معبد آن‌ها در بلخ و دیگری در کنگاور بوده است. (ویدن‌گرن 1377: 267)

آن‌ها در ارمنستان

دو ایزدبانوی آن‌ها *anāhita* (Bartholomae ۱۹۰۵: ۱۲۶) (پهلوی، *anāhid*) در ارمنی «آن‌ها» و نانه³⁹ (یا *Nāna*)، ارمنی: *Nāna*) به‌طور گسترده‌ای در ایران و در کشورهای غرب و شرق در زمان‌های پیش از اسلام وجود داشته است.

این دو ایزدبانو در ارمنستان پرستیده می‌شدند. اما آن‌ها به تنهایی به عنوان یک ایزد زرتشتی به رسمیت شناخته شده است.

³⁹. Nanē

به نظر می‌رسد بسیاری از ویژگی‌های ایزدبانوی مادر طلایی از آسیای صغیر مشتق شده است، چرا که در کتیبه کر تیر (خط هشتم) او به نام مادر طلایی شناخته شده است (Russell ۱۹۸۷a: ۲۳۵) (Agathangelos ۱۹۷۶: ۸۰۹). احتمالاً آیین پذیرش ایزدبانو در بین‌النهرین بوده است و پارسیان آن را از عیلامی‌های جنگجو گرفته‌اند. در سغدی ایزدبانویی به نام nnyanai یافت شده و Nanai الهه شهر پنجکینت⁴⁰ بود و «خانم» نامیده شده است. (Russell ۱۹۸۷a: ۲۳۹)

آناهیت نزد ارمنیان اهمیت بالایی داشته است. به شهادت استرابون، پلینی و پلوتارخ، پیش از آگاتانگوس و خورناتسی، محبوب‌ترین ایزدان، آناهیت بوده است. دانشمندان ریشه‌شناس هنوز به نظریه واحدی درباره ریشه واژه آناهیت نرسیده‌اند و اختلاف نظرهای زبان‌شناسانه موجود، گاه به نتیجه‌گیری‌های کاملاً متضاد می‌انجامد. دیر زمانی این نظریه حاکم بود که آناهیت ارمنی از واژه پارسی باستان آناهیتا به معنی نالوده، پاک، بی‌آهو مشتق شده است. برخی بر این باورند که آناهیت منشأ سامی دارد و برخی معتقدند که واژه آناهیت از نام آنونیتوا، ایزدبانوی بابلی گرفته شده است. نظریه دیگری چنین اعلام می‌دارد که واژه آناهیت از نام ایزدبانو آماتو مشتق شده است. (نوری‌زاده: 1376: 259-260)

بنابر آگاتانگوس، آناهیت خیرخواه نژاد بشر، ملکه بزرگ، مادر همه خردها و فره ارمنستان است (Agathangelos ۱۹۷۶: ۵۱). او زندگی‌بخش، مادر اعتدال، دختر آرامزد و مادر همه خردهاست. (Ibid: ۵۲) بر طبق استرابون شواهدی وجود دارد که از زمان‌های خیلی زود آنایتیس⁴¹ (آناهیتا در اوستا و کتیبه‌های فارسی، آناهیت ارمنیان کلاسیک) در اریز⁴² در ارمنستان غربی عبادت می‌شده است.

آناهیت ایزد باروری بوده و ظاهراً با ایزدبانوی بابلی یا عیلامی Nane و سپس با آرتامیس، ایزدبانوی جانوران ددخو، همانند است (دوشن‌گیمین 1381: 236). مجسمه‌های طلایی آناهیت در پایتخت در آرتاگراتا⁴³ و آرتاشات⁴⁴ و در مزر تارون⁴⁵ وجود داشته است. با استناد به این مدارک می‌توان گفت آناهیت ایزدبانوی قدیمی در ارمنستان است. او به عنوان محافظ و مشاهده‌کننده زندگی طلب شده است (Agathangelos ۱۹۷۶: ۱۰۶). او همچنین مادر طلایی نامیده می‌شده است (Ibid: ۶۰۷). مجسمه‌های طلایی به او هدیه شده است (Ibid: ۵۹۱-۶۰۷). او دهنده زندگی است، در میان بچه‌هایش زندگی کرده، به عنوان مادر بزرگ و ایزد کشت و آب‌های زندگی‌بخش رودخانه‌ها و چشمه‌ها است (Russell ۱۹۸۷a: ۲۵۳). راسل بر این باور است که نانه و آناهیت در بسیاری از موارد شریک‌اند. (Ibid: ۲۶۳). موسی خورناتسی به آناهیت فقط به عنوان آرتامیس اشاره می‌کند و هرگز آن را با نام ایرانی و یا ارمنی‌اش نامیده است. مجسمه آناهیت در آرامویر مورد احترام است. این مجسمه از آرامویر به شهر

۴۰. Panjikant

۴۳. Artaxata

۲. Anaitis

۵. Arta?at

۳. Erez

۶. Taron

مقدس باگران و بالاخره به آرتاشات منتقل شد. شالوده این معبد در اریز به تیگران نسبت داده شده است. (Ibid: ۲۴۸)

ارمنیان معابدی در اکیلسن⁴⁶ داشتند. در تیلادامپرادا⁴⁷ در اطراف فرات، یک معبد آناهیتا نیز وجود داشته است. بنا به نظر آگاتانگوس، آناهیت معابدی هم در آرتاشات، در تیل (Agathangelos ۵۸۴: ۱۹۷۶) و در یشتیشات⁴⁸ (درشمال غربی وان) وجود داشته است. (Ibid: ۶۰۶)

گفته شده است تندیدی از آناهیت در مرز آنزواتزس⁴⁹ نزدیک سنگ بلک سمیت⁵⁰ وجود داشته است. (Alishan ۱۸۹۵: ۵۰)

بنا به نظر آلیشان، جشن آناهیت در روز پانزدهم نوامبر برپا می‌شده است. روز نوزدهم هر ماه به او نسبت داده شده است. (Alishan ۱۸۹۵: ۱۴۳ & ۲۶۹)

بنا به عقیده برخی، پرستش آناهیت در ارمنستان از دین زرتشتی آمده است. اگرچه ایرانی‌ها بت نداشتند و بت پرست نبودند، ولی به قول هرودوت، اردشیر با حافظه (316 - 404 ق.م) امر کرد که ایرانی‌ها برای آناهیت مجسمه‌ای بسازند و آن را پرستش کنند. زیرا یکی از تاریخ‌نویسان قدیم یونان (برسوس) روایت می‌کند که این شاه مجسمه‌هایی از او در شهرهای دوردست بابل، دمشق، همدان، سارد و شوش برپا کرده بود (جان هینلز 1375: 137). آناهیت در برابر آرتامیس اساطیر یونانی است که الهه عفاف و پاکدامنی است. این ادعا از کلمات تیرداد پادشاه ارمنستان به خوبی ثابت می‌شود. بانوی بزرگ آناهیت که فرملت ماست، او مادر همه گونه خرد و هوش است و دختر آرامزد بزرگ و دلیر. (Abrahamyan ۱۹۷۹: ۱۰۰-۱۰۹)

هتریسیم یا روسپی‌گری مقدس

حال اینکه آیا می‌توان باور کرد که همین ایزدبانویی که الهه عفاف و پاکدامنی است، روسپی‌گری‌های مقدس در اطراف خود وجود داشته است. آیا این روسپی‌گری در ایران وجود داشته و یا در ارمنستان اطراف الهه آناهیت بوده است. هتریسیم که در آغاز گونه‌ای آیین پرستش ایزدان اساطیری بود، در یونان، ارمنستان، آشور، بابل، ... رواج داشت. چنانکه ایشتر، که ایزدبانوی عشق و جنگ و ایزدبانوی بامداد و شامگاه بوده و با سیاره ناهید یکی شمرده شده است، در این مقام در پرستشگاه‌های او، روسپی‌گری مقدس بخشی از آیین ایشتر بوده است و هنگامی که او به زمین می‌آمد، روسپی‌ها و هرزگان در رکابش بودند. ایشتر را روسپی ایزدان نیز دانستند. مراسم ویژه این باور اساطیری در ارمنستان در پرستشگاه آناهیت برپا می‌شد. اما هیچ اثباتی در این باره وجود ندارد و نویسندگان مسیحی در این باره چیزی ذکر نکرده‌اند. مراسم مربوط به هتریسیم در پرستشگاه‌های ایزدبانوی

^{۴۶}. Akilisene

^{۴۷}. Tiladamprada

^{۴۸}. Ya?ti?at

^{۴۹}. Anzavatzs

^{۴۹}. Black Smith

باروری در ایران پیش از ورود آریاییان است که به جا مانده از دوران مدارسالاری در ایران پیش از آریاییان بود. (نوری‌زاده 1376: 267 و 268)

چنانکه استرابون می‌نویسد و عکس آن، در زلا آیین‌های مقدسی که انجام می‌شود، پاکی و حرمت بیشتر دارد. او می‌نویسد: «در زیارتگاه ایرانی رسم بر این بود و تنها یک روز در سال عیاشی توأم با شهوترانی مجاز می‌باشد. در روز پی‌افکندن معبد که مطابق با روز شکرگزاری و پیروزی بر سکاها بود، جشنی می‌گرفتند که سکایا نامیده می‌شد. ضیافتی می‌دادند که مردانی که لباس سکایی پوشیده بودند، شبانه‌روز شراب می‌نوشیدند و با یکدیگر شهوترانی می‌کردند و همچنین با زنانی که در شراب خوردن آنان شرکت می‌کنند و او اضافه می‌کند این عیش [را] در هر جا که این الهه آناهیت معبدی داشت، می‌گرفته‌اند». (بویس 1375: 369)

ویدن‌گرن اضافه می‌کند که عجیب آن است که باکره‌های اکیلیسن وقف بر آناهیت می‌بایست از عفت خود به خاطر این ایزدبانو گذشت کنند. او اعتقاد دارد که این وقف افراد به معبد کاملاً ایرانی است. (ویدن‌گرن 1377: 89). در جواب این پرسش که آیا این یکی از مشخصات مناسک ایرانی است؟ باید گفت که نمی‌توان آن را مطلقاً انکار کرد (دوشن‌گیمن 1381: 296) که آیا این کار نیز در ایران اجرا می‌شده یا نه. همه متن‌های دینی، روسپی‌گری را با تندترین کلمات، زشت شمرده‌اند، اما بعضی برآنند که این تقبیح‌ها خود دلالت بر این دارد که این کاری معمول بوده است. به نظر جان هینلز نادرست است که بر این عقیده بایستیم که پیرامون این بانوی آبها آیینی آمیخته با هرزگی وجود داشته است، زیرا از کاهنه‌هایی سخن رفته است با تعهد پاکدامنی که در خدمت او بوده‌اند. (جان هینلز 1375: 39 و 40)

پس چنانچه دیده شد آناهیتا در ایران و آناهیت در ارمنستان هر دو دختر اهورامزدا و آرامازد، ایزدبانوی آبها، ایزد بانوی باروری و حاصلخیزی و برکت و مادر طلایی هستند. قربانی‌هایی در هر دو کشور به ایزدبانو تقدیم می‌شده است.

هر دو معابدی داشتند. معابد آناهیتا بسیار ثروتمند و غنی بودند و شاید بتوان گفت یکی از علت‌های گسترش بیش از حد آناهیتا در سراسر جهان به خاطر ثروت‌های هنگفتی بود که معابد این ایزدبانو داشت.

مهر

در میان ایزدان زرتشتی میترا یا مهر⁵¹ اوستا (Bartholomae ۱۹۰۵: ۱۱۸۳)، پهلوی mihr (۱۳۲: ۱۳۸۱ Ngberg) است که بزرگ‌ترین توجه را به دلیل مذهب میترایسم به خود جلب کرده است. براساس متن پهلوی، میترا، داور آسمانی، دادوری و میانجیگی⁵² است. (بویس 1375: 584)

مهر ایزدی هند و ایرانی بود. نام او در هند، میترا به معنای "دوست"، در اوستا به معنی "پیمان" و در فارسی به

⁵¹. miθra

⁵². myānjīgīh

معنای دوستی، خورشید و محبت است. پرستش او در غرب تا شمال انگلستان و در شرق تا هند گسترش داشته است و یک مذهب مهم در امپراتوری روم در طی قرن‌های اولیه مسیحیت بوده است.

مهر در ایران

مهر همراه با خدای دیگری (ورونه) به معنی «سخن راست» به صورت ترکیب «میتره ورونه» به یاری خوانده می‌شد. مهر چنان مقام والایی در میان ایزدان ایران باستان داشت که نامش با نام هرمزد، ایزد بزرگ و آناهیتا یکی برده می‌شد (جان هینلز 1375: 119). ایزد مهر، ایزدی است که سه وظیفه موبدی، جنگاوری و برکت‌بخشی دارد. او همچنین ایزد رهایی‌بخش است که هر از گاهی بر زمین می‌آید تا با کشتن گاو (در آیین مهری) یا با رهبری کردن مردم (در آیین مانوی) نعمت و نجات را ارزانی مردم دارد. (بهار 1381: 226)

مهر مانند میتره در هند کاخی دارد که آن را آفریدگار ساخته است و در آن، مهر در گردونه خویشت که چهار اسب سفید نامیرا آن را می‌کشند و نعل آنها از زر و سیم است، به پیش می‌راند. میترا در کیش زرتشت، ایزدی سترگ و هزار چهره است که حتی تا به امروز عمیق‌ترین احترامات نسبت به او ادا می‌شود. به هنگام سوگند به او قسم می‌خورند. امور حقوقی در ظل حمایت او برگزار می‌شد و به هنگام رسیدگی به دعوای قضایی و مجامع همگانی، او را فراخوانی می‌کردند (بویس 1375: 582). در ایران سرود مختص مهر، مهریشت در دست داریم:

• نه شب وجود دارد و نه تاریکی، نه باد سرد و نه باد گرم، نه بیماری مرگ‌آور و نه پلیدی که خدایان شریر آنها را آفریده‌اند.»

(Gershevich ۱۹۵۹: ۹)

او از نظم و راستی محافظت می‌کند. به داوری روان پس از مرگ می‌پردازد. جنگجوی توانای نیرومند با نیزه‌ای سیمین، زرهی زرین و شانه‌های ستبری است که شر خدایان شریر را در هم می‌کوبد و روح مخرب (اهریمن) همه خدایان شریر مافوق‌الطبیعه ترسناک به پس می‌گریزند. (Ibid: ۱۲۱) براساس یشت 10 که به میترا اختصاص داده شده است، «او پروردگار چراگاههای وسیع، ایزد پیمان‌ها، ایزد جنگ‌آوران و ایزد طلوع است که از فراز کوه البرز (هرا) سر بر می‌آورد. با یک نگاه تمام سرزمین‌های آریایی را از نظر می‌گذراند. پشت به سوگندشکنان بی‌رحم است. او برای سایرین پیروزی و وفور نعمت به همراه می‌آورد، سبب بارش باران و نزول وفور نعمت می‌شود، خبرچینان بسیاری در خدمت دارد، با ارباب‌ای که اشی او را هدایت می‌کند، سفر می‌کند و در پیشش ورثرغنه (ایزد پیروزی) در شکل گراز می‌راند. او دادگستری فریب‌ناپذیر است، یاری‌بخش کسانی است که او را فرا می‌خوانند و شفا دهنده‌ای است که هومه در کوه هرا پرستش می‌کند. او مسلح به آذرخش است که حتی انگره‌مینو از آن بیم دارد. در سمت راستش سرئوشه⁵³ و در سمت چپش وشنو⁵⁴ و گرداگردش را آب‌ها، گیاهان و فره‌وشی‌های درستکاران فرا گرفته‌اند. با اسبان سفید می‌جنگد، در همه جا به کسانی که

^{۵۳}. Srao?a

۲. Ra?nu

۳. mihroz

پیمان‌ها را زیر پا می‌گذارد، می‌رسد. او را باید پس از سه روز و سه شب تزکیه نفس پرستش کرد. اربابه‌اش را که ستاره‌ها زینت می‌بخشند، ساخته دست ارواح است. (دوشن گیمن 1381: 59)

در دین زرتشتی، مهر نقش بسیار مهمی در مناسک دینی بر عهده دارد. مقدس‌ترین مناسک همه با حمایت او اجرا می‌شود. یکی از جشن‌های بزرگ که مهرگان نام دارد، جشنی است به افتخار مهر، داور سرزمین ایران. این جشن هنوز در میان زرتشتیان به مدت 5 روز همراه با شادمانی بسیار و دل بستگی باطنی برگزار می‌شود. در تقویم زرتشتی در روز مهر از ماه مهر⁵⁵ یعنی روز شانزدهم از ماه هفتم (ماه مهر) جشن گرفته می‌شود. اما در تقویم ارمیان روز هشتم ماه هفتم بود که با تغییر تقویم به روز 21 تغییر یافته است (Taqizadeh ۱۹۴۰: ۶۴۲). آخرین روز مهرگان بزرگ⁵⁶ نامیده می‌شود. (Russell ۱۹۸۷a: ۲۶۲)

مهر نزد هخامنشیان، پارتیان، ساسانیان

در سنگ‌نوشته‌های اردشیر دوم و سوم به خط میخی به زبان فارسی باستان، ما نام مهر را می‌بینیم. از سوی دیگر، به‌واقع صورت فارسی باستان نام‌های خاص، Miça، وجود ندارد، ولی شکل ادبی آن miθra است. (ویدن‌گرن 1377: 162). میترا را نخستین بار اردشیر دوم (405-359 ق.م) نام برده است. در سنگ‌نوشته‌های «B, A» شوش و «A» همدان، میترا با اهورامزدا و آناهیت به یاری طلب شده است. در سنگ‌نوشته اردشیر سوم (338-359 ق.م) در تخت جمشید از اهورامزدا میترا نام برده شده است. (ویدن‌گرن 1377: 172-175). در تخت جمشید در دو کتیبه از اردشیر دوم، از سه ایزد اهورامزدا، آناهیتا و میترا نام برده شده است. (Russell ۱۹۸۷a: ۲۶۹).

در سنگ‌نوشته‌های شاهنشاهان نخستین هخامنشی، از میترا نامی برده نشده است. در زمان‌های دیرتر در عهد داریوش (405-424 ق.م) نام‌های مشتق از نام خدا در مدارک میخی با جزء میتره به چشم می‌خورد، مانند میتره داته، میتریدات. میترا خدای بسیار مهمی در پارس بود و این اهمیت را از پیش در زمان داریوش اول و شاهنشاهان نخستین هخامنشیان داشت. او پس از اهورامزدا قرار می‌گرفت و آیین او بیشتر مادی بود تا پارسی. نادرست است که بگوییم پرستش او در شاهان هخامنشی تنها در زمان اردشیر دوم تأیید شده است. به یقین به نظر می‌رسد که در آغاز جایگاه وی دست کم در کنار اهورامزدا بود. اما به‌زودی پس از او و در زیرقرارگرفته است. اهورامزدا و میترا خدایان وظیفه نخست هستند. از سوی دیگر، میترا ارتباط‌های به ویژه تنگاتنگ با دومین وظیفه دارد. (همان: 175-171). در زمان هخامنشیان جشن بزرگ میترا باشکوه برگزار می‌شد. (همان: 175). در ایران، در دوره پارتیان، میترا خدای ارجمند از سلسله خدایان همچون دیگران بوده است. در دوره پارتیان میترا از نظر آیین‌ها با خورشید شناسایی شده که بزرگ‌ترین همه آتش‌های فیزیکی است و منبع نور که با این ایزد رفتار انسان‌ها را هدایت می‌کند (Russell ۱۹۸۷a: ۲۶۲). میترا ایزدی بود حتی در بیرون از امپراتوری پارتی پرستیده

^{۵۶}. Great mihrgah

می‌شده و قدر مسلم در آسیای صغیر موقعیتش قوی‌تر بوده است. در نتیجه پرستش، میترا توانسته است به سرزمین یونان و روم گسترش یابد. (ویدن‌گرن 1377: 312-314)

میترا ایزدی مهم نیز نزد ساسانیان بوده است؛ اردشیر، شاه بزرگ ساسانی مهر را طلب می‌کند: «مهر خدای بزرگ» (۲۶۲: ۱۹۸۷ Russell). مهرگان در ایران ساسانی، دومین جشنواره از نظر اهمیت پس از نوروز است که به اورمزد تقدیم می‌شده است. (Ibid: ۲۶۲)

در اساطیر ایران باستان بنا به شواهدی که در دست است، می‌توان شباهت این خورشید را ثابت کرد یا می‌توان گفت ایزدمهر، ایزدی است با منشأ خورشیدی (بهار 1381: 226). داریوش سوم پیش از نبرد گوگمل به درگاه خورشید، میترا و آتش مقدس جاودان تضرع می‌کند که این تأکید مستقیمی است بر نزدیکی و تمایز بین این دو ایزد و پیوند مشترک آنان با آتش. ارتباط میترا را با خورشید به‌عنوان چشم او در انگاره اصلی میترا به عنوان پاسدار و نگهبان عهد یا پیمان می‌توان ردیابی کرد. (بویس 1375: 584-590)

مهر در ارمنستان

در ارمنستان، میترا از ایزدان بسیار محبوب و مورد علاقه و احترام فراوان ملت ارمنی بوده است. هایک علیا در شمال غربی ارمنستان، واسپوراکان، تارون، ساسون (جنوب ارمنستان) و سیونیک و آتوانک در شرق ارمنستان از مراکز عمده پرستش ایزد آتش و خورشید یعنی مهر بوده‌اند. محبوبیت او را وجود نام‌های مهران، مهرداد و مهر وزن تأیید می‌کند. ایزد مهر به حدی در ارمنستان محبوبیت داشت که جشن ویژه او هر سال در روز چهاردهم ماه مهگان ارمنی که برابر با ماه فوریه است، با شکوه بسیار برگزار شده است. یکی از روزهای ماههای ارمنی به نام این ایزد محبوب، مهر نامیده شده است. مهرپرستی پس از اشاعه مسیحیت در غرب ارمنستان چندان دوام نمی‌آورد و خیلی زود از میان می‌رود، حال آنکه در قسمت شرقی ارمنستان مدت طولانی دوام می‌یابد. نقش برجسته‌هایی که از آیین میترا در اروپا یافت شده، ممکن است که از سنت زرتشتی قربانی گاو تأثیر پذیرفته باشد. (نوری‌زاده 1376: 249)

در زمان هخامنشیان جشن بزرگ میترا بسیار باشکوه برگزار می‌شد و در این دوران میترا در ارمنستان، اهمیت ویژه‌ای داشت. اس‌تراپون شرح می‌دهد که آن‌جا (در ارمنستان) نسیایون⁵⁷ را نیز پرورش می‌دهند و در عهد پارت، ساتراپ ارمنستان هر سال 20000 اسب برای جشنی موسوم به جشن مهرگان به ایران می‌فرستاد (ویدن‌گرن 1377: 320)

تشابه ایزدمهر (میترا) با خورشید را می‌توان همچون در ایران باستان، در ارمنستان دید. تیرداد، شاه ارمنستان، میترا را احضار کرد. میترا نگهبان زرتشتی قراردادها است که در کتیبه‌های یونانی درگارنی به‌عنوان هلیوس⁵⁸ به

⁵⁷. Nisaion

۲. Helios

۳. Helios

معنی خورشید معرفی می‌شود. تاریخ‌دانان کلاسیک ارمنی چهار قرن بعدتر مهر را نه به‌عنوان هلیوس⁵⁹ بلکه به‌عنوان هفایستاس⁶⁰، خدای یونانی آتش، شناختند و به نظر می‌رسد برتری‌هایشان به‌وسیله واهانگن تحت‌الشعاع قرار گرفته شده است (Russell ۱۹۸۷b). مهر به وسیله موسی خورناتسی خدای خورشید⁶¹ نامیده شده است (خورناتسی 1982: 301)، چنانچه مری‌بویس بیان می‌دارد یکی از عوامل عمده محبوبیت و برجستگی میترا در عصر هلنیستی، تداعی و ارتباط میترا با خورشید است. همان‌طور که یونانیان هلیوس، خدای آفتاب را پرستش می‌کردند، ایرانیان نیز هورخشته⁶² را با معنای «هور درخشنده» می‌پرستیدند. از همین واژه است که اسم فارسی معمول برای مفهوم آفتاب یعنی خورشید به‌دست آمده است. در همه زبان‌های ایرانی میانه دیده می‌شود که اسم میترا را به جای خود آفتاب به کار می‌بردند. در فارسی امروزی نیز گاهی مهر را به جای خورشید در شعر به کار می‌برند. میترا در ارمنستان معابدی دارد. در باگایاریچ (غرب کشور، در شمال شاخه غربی فرات از توابع "درجان" هایک علیا) یک معبد بسیار دیدنی اهدایی به میترا وجود دارد که در سال 300 میلادی هنوز برپا بود. (Agathangelos ۱۹۷۶: ۷۹۰). باگایاریچ، اقتباس از ایرانی، در واقع باگیوش (پرستش خدایان) است. این نام نشان می‌دهد که میترا در آنجا به نام بغ⁶³، خدا، به حد کمال پرستش می‌شد. همچنان‌که که شیز⁶⁴، در آذربایجان (مادآتروپاتن) مرکز پرستش او نزد بغ‌های مادی می‌بود. گارنی که از آثار باستانی ارمنستان به شمار می‌رود، یکی دیگر از پرستشگاه‌های مهر بوده است. در زبان ارمنی به پرستشگاه، مهیان، اطلاق می‌شد (Hubschman ۱۹۶۲: ۱۹۴) که این خود نشان‌دهنده محبوبیت ایزدمهر میان ارمنی‌ها بوده است. (Agathangelos ۱۹۷۶: ۵۱۵) و (نوری‌زاده 1376: 249)

واهانگن در ارمنستان

از آنجا که ایزدان سه‌گانه در ارمنستان با ایزدان سه‌گانه ایرانی در این مورد متفاوت است (یعنی اینکه آرامازد، آناهیت و واهانگن ایزدان سه‌گانه ارمنی را تشکیل می‌دهد) (Agathangelos ۱۹۷۶: ۷۹۹)، پس به‌طور خلاصه به بررسی واهانگن در ارمنستان پرداخته می‌شود.

واهانگن از یک کلمه فارسی میانه ساسانی مشتق می‌شود. در بسیاری از منابع ارمنی و اروپایی واهانگن با ورثراگنه یا ورثرغنه⁶⁵ ایرانی و ایندیره که وجه اشتراکشان با واهانگن کشتن اژدهاست، همسان قلمداد شده است. به همین دلیل این نظریه پیش کشیده شده که ارمنی‌ها واهانگن را که شکل ارمنی نام‌های ورثرغنه، ورثراگنا، ورتراهن، وهرام و بهرام یزد پیروزی در اساطیر ایران باستان، است، از ایرانیان به عاریت گرفته‌اند. (نوری‌زاده 1376: 375)

حال آنکه جان هینلز این نظریه را دارد که او برخلاف همتای هندی‌اش، ایندیره، و یا همتای ارمنی‌اش، واهانگن، اسطوره‌ای ندارد که در آن سخن از غلبه بر غول یا اژدهایی در میان باشد. (هینلز 1376: 42)

^{۶۰}. Hephaistas

^{۶۲}. bay

^۵. Hephaistas

^۲. žiz

^۶. Hvarxšaēta

^۳. vərəraṅna-

واهاگن در زمان‌های هلنیسم، با هراکلیوس⁶⁶ مقایسه می‌شود و کشنده اژدها نامیده می‌شود. (Agathangelos ۱۹۷۶: ۶۰۶)

واهاگن در ارمنستان همتای ورثرغنه به معنی پیروزی، ایزد پیروزی در اساطیر ایران باستان و همتای ایندره در هند است. او مسلح‌ترین ایزد است (یشت 14، بند 1). بهرام یا ورثرغنه از مهم‌ترین ایزدان زرتشتی است. او نماینده نیروی غیرقابل مقاومت و خدایی جنگجوست. در یشت چهارده که به او اختصاص دارد، بهرام ده تجسم یا صورت دارد که هر کدام مبین نیروی پویایی این خداست (هینلز 1375: 42). ورثرغنه یا بهرام یک اسطوره مقاومت در جنگ برخلاف شیطان تصور می‌شود. در زمان جنگ او محافظ مسافران، مریض‌ها و دیو زده‌ها است. او در ادبیات پهلوی، با ستاره مریخ برابر شده و آتش بهرام به نام اوست (یسنا 34، بخش 3) (Russell ۱۸۸: ۱۹۸۷a). شاید به خاطر شخصیت او با پیروزی و عقاید زرتشتیان است که - برخلاف تاریکی و یورش دشمن، در برابر آفریدگان خوب اهورامزدا - در دوره ساسانیان بلندترین آتش‌های معابد به او هدیه می‌شود. ورثرغنه با میترا و رشنو⁶⁷ متحد است. (Ibid)

بهرام پیشاپیش مهر در پرواز است: به صورت گراز نر وحشی پیشتاز با پنجه‌های تیز و دندان‌های پیشین تیز، گرازی که به یک حمله می‌کشد ... از پاهای پسین و پیشین آهنین، پی‌های آهنین، دم آهنین و فک آهنین دارد. (هینلز 1375: 42)

واهاگن معابدی در ارمنستان داشته است. پرستشگاه عمده واهاگن در آشتیشات از توابع تارون ارمنستان قرار داشته و «عاشق آستغیک»⁶⁸ نامیده شده است (خورناتسی 1982: 88) (Agathangelos ۱۹۷۶: ۶۰۷) در آن طلا و نقره بسیار وجود داشته است. شاهان و بزرگان هدایای بسیاری به این پرستشگاه می‌دادند.

دیگر پرستشگاه واهاگن در جناح شرقی کوه واراکا در «واسپوراگان» در دهکده اهوکان قرار داشته است. یکی دیگر از پرستشگاه‌ها در منطقه «سالاهونیاس» در قصبه درجان واقع در هایک هلیا قرار داشته است که در زمان سلطنت تیرداد، شاه ارمنی، ساخته شده است. (Ibid: ۶۰۶-۶۰۷)

یکی دیگر از معابد واهوانن⁶⁹ در سرزمین تاراوان⁷⁰ بوده است. معبد دیگر روی کوه k^eark^e در بالای رودخانه فرات که به سوی کوه تائوروس بزرگ ظاهر می‌شود که به خاطر فراوانی خدمات مذهبی یشتیشات⁷¹ نامیده می‌شود. (نوری‌زاده 1376: 375)

ایدئولوژی سه‌گانه

⁶⁶. Heracles

⁶⁹. Vahevanean

⁷¹. Ya[?]ti[?]at

۲. Ra[?]nu

۲. Tarawan

۲. Nartes

۳. Astyic

۳. Alaegatae

ایدئولوژی سه‌گانه در ایران، ارمنستان و هند دیده شده است. مجموعه خدایان ایران و هند بازتاب تجلیل ویژه‌ای است که این مردم درباره ساختار اجتماعی مربوط به خود داشتند. دومیل این مسئله را درباره قوم هند و اروپایی، به‌ویژه در اثرش با عنوان *ایدئولوژی سه بخشی هند و اروپاییان*، نشان داده است. (دوشن گیمن 1381: 226)

خلاصه‌ای از گفتار او درباره ایران از این قرار است:

سه طبقه جامعه ایران یعنی روحانیون، جنگ‌آوران و بزرگان با سه طبقه هندیان ارتباط دارد، هر چند از نامگذاری متفاوتی استفاده شده است. قدمت این سه‌بخشی‌بودن در ایران افسانه‌ای را تأیید می‌کند که هرودوت (4، 5، 6) و کونیتوس کرتیوس (7 و 8، 19-18) آن را بازگو کرده‌اند و به سرچشمه سکاییان مربوط می‌شود و در آن سه کارکرد به ترتیب با جام (برای مراسم ساغر ریزی)، داس یا نیزه و کمان و سرانجام خیش و کالسکه نمادپردازی می‌شود. سه طبقه در اسم دومین خانواده از سه خاندان نارت‌ها⁷²، در حماسه آسیایی (که با کشتیرای سنسکریت ارتباط دارد) اثری برجای گذاشتند. از جمله *الثگته*⁷³ قوی در هوش، *اگسرتنگگته*⁷⁴ قوی در مردانگی و نیرو و *بوریتته*⁷⁵ دارنده دام‌های بسیار.

این سه بخشی بودن در بسیاری از حوزه‌ها بازتاب دارد. داریوش در کتیبه تخت جمشید از اهورامزدا می‌خواهد تا امپراتوری او را در مقابل ارتش دشمن، سال‌های سخت و دروغ (خشکسالی) محافظت کند. به همین ترتیب، اوستا شفا را به سه‌گونه تقسیم می‌کند: با چاقو، با گیاهان و با سرودخوانی که یک طبقه‌بندی دیرینه هند و اروپایی است.

هند و اروپاییان و به دنبال آن هند و ایرانیان، سه کارکرد را با رنگ مشخص می‌کردند: سفید؛ رنگ روحانیت، قرمز یا رنگارنگی؛ رنگ جنگ‌آوران، و آبی تیره به بزرگان تعلق داشت.

«بنا به افسانه‌ای در ابیاتکار زاماسپیک در یادگار جاماسب⁷⁶؛ فریدون جهان را بین سه پسرش تقسیم کرد که هر یک به ترتیب خواهان ثروت زیاد، ارزش و اعتبار و قانونیت دینی بودند. افسانه دیگری یشت 34/14 و دینکرد 25/1/7، بازگو می‌کند که چگونه جمشید به‌عنوان مکافات گناهانش، از اقتدارش محروم می‌شود که علامت قابل رؤیت آن خورنه⁷⁷ یا بخت از او در سه بخش متوالی جدا می‌شود تا به سه شخصیت متعلق به سه طبقه اجتماعی بزرگر، جنگ‌آور و وزیر دانای فرمانروا بپیوندد.» (دوشن گیمن 1381: 226 تا 228)

یونان همچون ایران چیزی از ساختار اجتماعی، دینی دیرینه هند و اروپایی را حفظ کرده است. سه طبقه توصیف‌شده از جانب افلاطون در حمسپور، پادشاهان، جنگاوران و تولیدکنندگان ثروت، در هند نه تنها با سه

^{۷۲}. Nartes

۲. Alaeatae

۳. Exsaertaegakatae

^{۷۵}. Boriatae

۵. Abiyatkar Zamaspiک ۴,۴۰

۶. Xvarənah

کاست بلکه با سه اصل حاکم بر جان‌ها و جامعه یعنی درمه⁷⁸ (قانون اخلاقی) کامه، کامجویی⁷⁹ و ارته⁸⁰ (منافع اقتصادی) همساز است. (Dumezil ۱۹۵۲: ۲۴)

ایدئولوژی سه‌بخشی در افسانه «داوری پاریس» نیز مصداق می‌یابد: سه ایزد و بانو به ترتیب نماد شهریاری، پیروزی و قدرت خواسته است (ibid: ۲۸) (دوشن گیمن ۱۳۸۱: ۲۷۶). اسامی یونانی که در برخی کتیبه‌ها دیده می‌شود، ممکن است چنانچه به سراغ بنای یادبود کماژن رویم، نمایانگر ایزدان ایرانی باشد. ژئوس مجیستوس، آپولون هلیوس و آرتیمس آتنا، ممکن است کسی جز اهورامزدا، تیرداد و آناهیتا نباشد که به سنتی که در عصر هخامنشی از زمان اردشیر دوم موجود بوده، ادامه می‌دهد. (دوشن گیمن ۱۳۸۱: ۳۶۲)

ایزدان سه‌گانه در ایران و ارمنستان

در ایران باستان، اهورامزدا، مهر، آناهیتا سه ایزدی هستند که در زمان هخامنشیان پرستیده می‌شدند و به نظر می‌رسد در زمان پارتیان نیز مورد توجه دین عمومی و حتی دین رسمی هم بوده‌اند و اگر ما متونی مؤید این امر در ایران نداریم، مدارک کتبی نسبت به وجود آن در ارمنستان به دست آمده است. زیرا مورخان قدیم آن کشور، نام معبد دارای سه مذبح مختص این سه رب‌النوع را که به اسم یاد شده‌اند، نقل کردند. اگر از این عهد به عقب برویم و به عهد هخامنشی برسیم، باید بپذیریم دو مذبحی که در دو فضای نقش رستم و پاسارگاد قرار دارد، با مذبح سومی که نزدیک برج معبد برپا بوده است، به همین ایزدان سه‌گانه تعلق داشتند و همچنین سه آتشی که روی سه مذبح در بام برج معبدی که در مسکوکات شاهان پارس تابع پارتیان منقوش است، نماینده همین تثلیث است. (گیریشمن ۱۳۴۹: ۳۱۹)

این ایزدان سه‌گانه ایرانی، اهورامزدا، مهر، آناهیتا از زمان اردشیر دوم تصدیق شده است (Russell ۱۹۸۷a: ۲۱۳). در ارمنستان، تیرداد، شاه ارمنستان، آرامازد، آناهیت و واهانگ را طلب می‌کند یعنی اینکه ایزدان سه‌گانه ارمنی از آرامازد، آناهیت و واهانگ تشکیل شده است (Russell ۲۰۰۴: ۳۷۶). در بین‌النهرین چنین مسئله‌ای نیز وجود داشته است. چنانکه ایزدبانوی نانه⁸¹ و ایزدبانوی برشم‌سوری⁸² و آستغیک سوری⁸³ یک گروه تشکیل می‌دادند که پس از حمله اسکندر، به ارمنستان مهاجرت کردند و این گروه برشم، استغیک، نانه با گروه آرامازد، آناهیت و واهانگ مطابقت می‌کند، اما جنسن (Jensen ۱۸۹۸: ۱۸۱) پیشنهاد می‌کند که این بحث قابل قبول نیست. چرا که این ایزدان خودشان را به‌عنوان ایزدان مستقل و جدا معرفی کردند، به‌گونه‌ای که آستغیک عاشق واهانگ می‌شود و معبدی در شهر مقدس یشتیشات بنا می‌کند. همچنان‌که آناهیت نیز معابدی داشته است (Ananikian ۱۹۲۶: ۸۰۳). باید گفت از سه ایزد ایرانی، ناهید در خارج از مرزهای غربی ایران، پیشرفت بسیار کرده

^{۷۸}. dharma

۲. kāma

۳. artha

^{۸۱}. Nanā

۲. Syrian Bar?am

۳. Syrian Astūlik

است. پرستش وی در لودیا که در آنجا به نام بلخیه مشهور شد و در سه منطقه بنطیقس، کاپادوکیه، ارمنستان انتشار یافت و مورد اقبال و توجه شاید بیشتر از پرستش مهر (میترا) گردید (گیرشمن 1349: 326)، همان طور که دوشن گیمن می گوید رقیب جدی میترا در ارمنستان کسی جز وهگن نیست (دوشن گیمن 1381: 321). شاید ایندره که به درجه اهریمن نزول کرد تا حدی به وسیله ورثرغنه و تا اندازه ای میثره جایگزین شده است. (همان: 230)

نتیجه

با بررسی و تطبیق این دو ایزدستان ایرانی، ارمنی می توان نتیجه گرفت که با توجه به یکسان بودن منشأ و اصل این دو قوم یعنی اینکه هردو مربوط به اقوام هند و اروپایی هستند و همچنین با توجه به این مسئله که ادیان در دوران باستان همواره از ادیان ملل دیگر تأثیر پذیرفته و یا در ادیان ملل دیگر تأثیر گذاشته اند، می توان نکات مشترکی در ادیان کشورهای که همسایه و هم مرز و هم نژاد و ریشه اند، یافت. پس ایزدستان ارمنی بسیار تحت تأثیر ایزدستان ایرانی بوده است.

از سویی آنچه که مربوط به ایدئولوژی سه گانه باید گفت، این است که بسیاری از دانشمندان بر این باورند که چون جامعه هند و اروپایی به سه طبقه یعنی فرمانروایان، جنگجویان و کشاورزان تقسیم می شد، خدایان نیز به سه دسته تقسیم می شدند. این فرضیه مربوط به ساخت «سه گانه» جامعه بشری و ایزدی همچون کلیدی برای گشودن بسیاری از مشکلات اسطوره شناسی ایران به کار گرفته شده است. اما باید گفت که سلسله مراتب خدایان بر اساس الگوی بشری ساخته شده است.

پس با این بررسی می توان فهمید که این ایدئولوژی سه گانه، همواره در آیین هند و اروپایی وجود داشته و در همه ساختارهای اجتماعی نمود کرده است. این سه گانه گی ایزدان ایرانی و ارمنی هم شاید برگرفته از وجود چنین ایدئولوژی در اعصار باستان در میان قوم هند و اروپایی باشد.

کتابنامه

- بویس، مری. 1375. تاریخ کیش زرتشت. ترجمه همایون صنعتی زاده. ج 1. تهران: توس.
- _____. 1386. زرتشتیان، باورها و آداب دینی آنها. ترجمه عسکر بهرامی. ج 9. تهران: ققنوس.
- بهار، مهرداد. 1381. پژوهشی در اساطیر ایران. ج 4. تهران: آگاه.
- پورداوود، ابراهیم. 1340. یسنا. ج 1. چ 2. تهران: طهوری.
- پورداوود، ابراهیم. 1340. یسنا. جلد 1 و 2. چاپ 1. تهران: فروهر.
- خدادادیان، اردشیر. 1379. اشکانیان. ج 1. تهران: به دید.
- خورناتسی، موسی. 1982. تاریخ ارمنستان. ترجمه گئورگی نعلبندیان. ایروان.
- دوشن گیمن. 1381. دین ایران باستان. ترجمه رویا منجم. ج 1. تهران: علم.
- گیرشمن، رمان. 1349. ایران از آغاز تا اسلام. ترجمه محمد معین. ج 3. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

نوری زاده. احمد. 1376. تاریخ و فرهنگ ارمنستان از آغاز تا امروز. تهران: چشمه.
ویدن گرن. گنو. 1377. دین های ایرانی. ترجمه دکتر منوچهر فرهنگ. تهران: آگاهان ایده.
هینلز. جان. 1375. شناخت اساطیر ایران. ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی. ج 6. تهران: چشمه.

منابع انگلیسی

- Abrahamyan, A.G. ۱۹۷۹. *Matenagrutcyun*. trans And ed Anania ʔirakacci. Erevan.
Agathangelos, R.W. Thomson. ۱۹۷۶. *History of the Armenians*. Albany: state university of New York press:
Alishan, ۱۸۹۵. *Ancient faite of the Armenian*. Venice.
Ananikian, u.H. ۱۹۲۶. "Hasting's encyclopedia of religion and ethics". Vol ۱. New York.
Bartholomae, c. ۱۹۰۵. *Die Gatha's des Awest a*. strassburg: Velag von Karl, J Trubner.
Boyce, Mary. ۱۹۸۵. "Anāhid". *Encyclopaedia Iranica* Vol ۱. London and Boston.
Dumezil. ۱۹۵۲. *The triade ideologie*. Bruxelles
Gershevich, I. ۱۹۵۹. *The Avestan Hymn to Mitra*. Cambridg: University press.
H, Hubschman. ۱۹۶۲. *Armenishe Grammatik*. Germany.
Jensen, ۱۸۹۸. *Hittier and Armenier*. Strassburg.
Kent, Roland Grubb. ۱۹۵۲. *Old Persian*. Teheran: Tahouri.
M.H. Ananikian. ۱۹۲۶. *Hasting's encyclopedia of religion and ethics*. vol ۱. Newyork.
Meillet, A. ۱۹۷۸. *Hayagitakan usumnasirutcyunner*. "Armenological studies". Erevan. (includes all Meillet's articles on prechristian Arm. Religion and on Arm. Loan-words from Iranian, all in Arm. Trans)
Nyberg, H.S. ۱۳۸۱. *A manuel of pahlavi*. part II. Tehran: Astir..
Russell, James. ۱۹۸۷a. *Zoroastrianism in Armenia*. Harvard university.
----- . ۱۹۸۷b. "Armenia and Iran, Armenian religion". *Encyclopedia Iranica*. on line edition, available at www. Iranica, online, Org/articles/ Zoroastrianism-i-historical-review.
----- . ۲۰۰۴. *Armenian and Iranian studies*. Harvard: university press: Cambridge, Massashusette.
Schmith, Fredrich. ۱۹۵۳. *Perspolis I. Reliefs*. Chicago.
H. Taqizadeh. ۱۹۴۰. *The Iranian Festivals Adopted by the Christians and ondemned by the Jews* BSOAs.